ادامه از صفحه ۷

برجام چگونه سندی است و در صورت نقض احتمالی آن چه می‌توان کرد؟

همچنین به نظر می‌رسد که چهار کشور آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان نیز که در چند نامه رسمی به دبیرکل، آزمایش‌های موشکی ایران را «ناسازگار» با قطع‌نامه ۲۲۳۱ دانسته و نه «ناقض» آن، برداشت مشابه‌ای از تعبیر «calls upon» داشته‌اند.

برجام و دیوان بین‌المللی دادگستری و شورای امنیت

برجام یک معاهده یا یک موافقت‌نامه حقوقی بین‌المللی یا اجرائی نیست که خروج از آن با دشواری‌هایی همراه باشد؛ بلکه یک تعهد سیاسی و داوطلبانه است که طرف‌های آن می‌توانند به‌آسانی و در هر زمان که مایل باشند، از آن خارج شوند. دیوان بین‌المللی دادگستری نمی‌تواند نقشی در رسیدگی به اختلافات احتمالی بین طرف‌های برجام یا شکایت علیه طرفی که ممکن است از برجام خارج شود، ایفا کند؛ چرا که:

اولا؛ برجام تعهدات حقوقی برای طرف‌های آن ایجاد نکرده که یکی از آنها بتواند از طریق دیوان طرف یا طرف‌های دیگر را به انجام تعهدات ناشی از برجام وادار کند.

ثانیا؛ طرف‌های برجام در بندهای ۳۶ و ۳۷ سند، یک «سازوکار حل اختلافات» در نظر گرفته‌اند. بنابراین درباره هر اختلافی در جریان اجرای برجام، باید از این طریق اقدام شود.

ثالثا؛ دخالت دیوان در منازعات، منحصرا در صورت رضایت دولت‌ها ممکن است و ایران و آمریکا در زمره ۷۰ کشوری که صلاحیت اجباری دیوان را پذیرفته‌اند، قرار ندارند (آمریکا بعد از رأی دیوان علیه آن کشور در دعوای نیکاراگوئه، شناسایی صلاحیت اجباری دیوان را پس‌گرفت). حداقل متصور نیست که آمریکا صلاحیت دیوان برای رسیدگی به منازعه درباره برجام را بپذیرد (طرح دو دعوای حمله به سکوهای نفتی ایران و تصرف سپرده‌های بانک مرکزی از سوی ایران علیه آمریکا، در حال و گذشته صرفا بر اساس بند ۲ ماده ۲۱ عهدنامه مودت ایران و آمریکا ممکن شد که به طرفین امکان می‌دهد تا «در صورت اختلاف درباره تفسیر یا کاربرد این عهدنامه» به دیوان رجوع کنند).

به‌علاوه، شکایت ابتدابه‌ساکن به شورای امنیت در ارتباط با برجام را نیز نمی‌توان درک کرد. مطابق سازوکار حل اختلافات در برجام، پیش‌بینی شده که بعد از طی مراحل مقدماتی؛ یعنی بررسی شکایت در کمیسیون مشترک در سطوح کارشناسی و وزرا و رجوع به هیئت سه‌نفره مشورتی (نوعی حکمیت غیر الزام‌آور)، شاکی می‌تواند درنهایت دعوای خود را نزد شورا مطرح کند. خارج از این روال، رجوع به شورای امنیت نه در چارچوب برجام مجاز است، نه چندان عملی (به دلیل پیچیدگی‌های رجوع یک کشور غیر عضو به شورا) و نه چندان نتیجه‌بخش (به دلیل حق وتو). همچنین برخلاف آنچه در برخی اظهارنظرها گفته می‌شود، برجام چون یک معاهده یا یک موافقت‌نامه بین‌المللی الزام‌آور نیست، نمی‌توان آن را مشمول ضوابط مندرج در کنوانسیون قانون معاهدات ۱۹۶۹ دانست و ازاین‌رو، نمی‌توان آن را با عهدنامه مودت ایران و آمریکا در ۱۹۵۴ که یک معاهده است، مقایسه کرد و نتیجه‌گیری‌های یکسانی بر مبنای کنوانسیون مذکور درباره آنها به عمل آورد.

نکته آخر اینکه اگرچه تعهدات سیاسی از نظر حقوقی الزام‌آور نیستند؛ اما با توجه به جو و روندهای سیاسی در داخل کشورها و در سطح بین‌المللی، شرایطی را ایجاد می‌کنند که عدول از آنها و نادیده‌گرفتنشان گاه دشوارتر از عدول یا نادیده‌گرفتن تعهدات الزام‌آور حقوقی است. برجام نمونه گویایی در این رابطه است. اگرچه دونالد ترامپ در جریان مبارزات انتخاباتی و بعد از آن، تندترین تعبیرات را علیه برجام به کار برد؛ اما اکنون حدود هفت ماه بعد از آغاز به کار در کاخ سفید، نه‌تنها اقدامی برای خروج از برجام انجام نداده، بلکه عملا از طریق دو بار تأیید پایبندی ایران به تعهداتش ذیل برجام و نیز تمدید تعلیق تحریم‌های کنگره، در راستای اجرای آن عمل کرده است. در مخمصه قرارداشتن دولت آمریکا تا آنجاست که حتی عناصر تندرویی در کنگره مانند باب کورکر و در دولت مانند ژنرال‌های ضد ایران، اکنون تردیدهایی جدی در توانایی دولت آمریکا برای خروج از برجام دارند. نگرانی از انزوا در سطح بین‌المللی و ناتوانی در کسب همراهی متحدان غربی در هر اقدام احتمالی علیه ایران، تنها یکی از موانع پیش‌روی واشنگتن است.

در چنین شرایطی و با توجه به وضعیت برجام از نظر حقوقی و دیپلماتیک، ضروری است که همه جریان‌های سیاسی در کشور، بیش از پیش نسبت به ابعاد سیاسی و دیپلماتیک موضوع بذل توجه کرده و در نظر داشته باشند که تنها روابط عمومی قوی‌تر در جامعه بین‌المللی و تقویت روابط دیپلماتیک با طیفی از کشورهای اثرگذار، به‌اضافه تلاش برای خنثی‌کردن تبلیغات ضدایرانی در منطقه و جهان، می‌تواند پادزهری مؤثر در برابر رویه مسموم جریان افراطی حاکم در واشنگتن باشد.

politics@sharghdaily.ir

چالش‌های خانم سفیر

ظریف: امیدوارم ۲ سفیر زن دیگر داشته باشیم

عکس: ایرنا

زینب اسماعیلی: جواد ظریف یک بار دیگر قصد دارد جور دولت را بکشد. موضوع اما حضور زنان در عرصه‌های بالای مدیریتی است؛ به سیاق چهار سال پیش که محمدجواد ظریف در اولین اقدام، سخنگوی دستگاه دیپلماسی را از بین بانوان پرتعداد وزارت خارجه انتخاب کرد.

بانوان پرتعداد، بانوانی که شمار آنها در وزارت خارجه به ۳۵۰ تا ۴۰۰ نفر می‌رسد اما اغلب آنها کارمندانی هستند که در رسته اداری قرار دارند، درحالی‌که برای رسیدن به مقام سفارت یا دیگر مقام‌های وزارت خارجه باید مراحل متفاوتی را طی کنند که در خوش‌بینانه‌ترین حالت حدود ۲۵ سال طول می‌کشد.

روز گذشته گفت‌وگویی با محمدجواد ظریف در ایسنا منتشر شده که او می‌گوید «در زمان تصدی من در وزارت خارجه اولین معاون زن در این وزارتخانه منصوب شد. در همین زمان بود که اولین سفیر زن بعد از انقلاب اعزام شد. اکنون نیز امیدوارم در این دوره جدید بتوانیم یکی، دو سفیر زن دیگر نیز داشته باشیم، البته نمی‌خواهم عددی را بگویم ولی در راستای تحقق این موضوع در حال برنامه‌ریزی و تلاش هستیم». اگرچه جواد ظریف در دور اول وزارتش این وعده را محقق کرد و اولین سخنگوی زن را منصوب و همان سخنگو را به‌عنوان اولین سفیر زن بعد از انقلاب نیز منصوب کرد اما قطعا اکنون برای تحقق این امر با مشکلات متنوعی مواجه است. مشکلات و سلسله‌مراتبی که انتخاب و انتصاب سفیر زن را سخت‌تر از سفیر مرد می‌کند.

هفت‌خان ۲۵ ساله

طبق اساسنامه وزارت خارجه برای انتصاب یک سفیر، او باید در رسته سیاسی به مقام «رایزن یک» رسیده باشد و بعد از آن با عبور از هفت‌خان امنیتی و مدیریتی و تأیید از سوی ریاست‌جمهوری به این سمت منصوب شود. علاوه بر همه اینها، کشور مقصد نیز باید فرد مربوطه را برای این سمت بپذیرد. یکی از آخرین نمونه‌های نپذیرفته‌شدن سفیر در کشور میزبان، ماجرای معرفی حمید ابوطالبی، به سمت نمایندگی ایران در سازمان ملل بود که واشنگتن به دلیل حضور او در جریان تسخیر سفارت آمریکا در ایران در سال ۵۸، به او ویزا نداد و عملا انتصاب او در این سمت منتفی شد.

اما ماجرای انتصاب بانوان به سمت سفارت، حتی از این هم پیچیده‌تر است. وزیر خارجه در حالی وعده یکی، دو سفیر زن دیگر را داده که به‌طور خوش‌بینانه خانم‌هایی که اکنون در سمت‌های بالای وزارت خارجه هستند، عمدتا در مقام دبیر یک تا سه هستند یا به‌تازگی وارد مرحله رایزنی شده‌اند درحالی‌که برای قرارگرفتن جزء گزینه‌های سفارت به‌ترتیب باید مراحل زیر را بگذرانند تا تازه در مرحله انتخاب برای سفارت قرار گیرند.

طبق اساسنامه وزارت خارجه بعد از قبولی در آزمون استخدامی و ورود به این وزارتخانه، فرد برای اینکه وارد فرایند سمت‌های بالای رایزنی و سفیری شود باید آزمونی را بگذراند تا از رسته اداری وارد رسته سیاسی شود. از آن پس، طی مراحل سیاسی دو دهه طول می‌کشد. رسته سیاسی با دبیر سه، آغاز می‌شود و در ادامه دبیر دو و دبیر یک قرار دارد. فصل بعد این مراحل، رایزن سه، رایزن دو و رایزن یک است. مرحله بعد از منظر رتبه‌بندی سفیر است. هریک از این هفت مرحله، سه سال به طول می‌انجامد؛ علاوه بر اینکه برای گذراندن از دبیری دو به دبیری یک، فرد باید دوره‌ای چند ماهه بگذراند، آزمون مدیریتی و زبان نیز بگذراند و در آزمون قبول شود تا بتواند وارد مرحله بعد شود. همین مرحله در عبور از رایزنی دو به رایزنی یک نیز باید طی شود. اگرچه اداره امور اداری وزارت خارجه اینکه چه تعداد خانم الان در کدام یک از این مراحل قرار دارند را اعلام نکرده اما یک مقام آگاه می‌گوید شاید تعداد خانم‌هایی که از نظر اداری در مراحل نزدیک به سفیر قرار داشته باشند، یکی، دو نفر بیشتر نباشد که گویا آقای وزیر به پشتوانه همین تعداد وعده جدید را مطرح کرده است. با یک حساب سرانگشتی طی‌کردن مراحل اداری وزارت خارجه تا رسیدن به نقطه‌ای که فرد گزینه وزیر برای معرفی به‌عنوان سفیر باشد، حدود ۲۱ تا ۲۵ سال به طول می‌انجامد، این یعنی بیش از دوسوم از عمر کاری یک نیرو. از آنجا که دوره سفارت هر سفیر نیز حدود چهار سال است، سفرا بعد از پایان مأموریت نیز وارد مرحله بازنشستگی شده و فرصت اندکی برای انتقال تجربه‌شان به نسل بعد خواهند داشت.

اما همه اینها تنها مراحل و سلسله‌مراتب قانونی و مشخص انتخاب یک سفیر است. مسائلی مانند ملاحظات امنیتی و سیاسی جزء موضوعاتی است که دست‌کم قاعده آن در سطح رسانه‌ها مشخص نیست. با همه اینها این سؤال ذهن را قلقلک می‌دهد که آیا مردان سفیر فعلی همه این مراحل را گذرانده‌اند؟

محدودیت قانونی

جواد ظریف در گفت‌وگو با ایسنا با بیان اینکه سعی داریم اگر بتوانیم این زنان را از داخل ساختار وزارت خارجه انتخاب کنیم، ادامه داد: البته با برخی از محدودیت‌های قانونی در این ارتباط مواجه هستیم. براساس نظرات سازمان بازرسی کل کشور، کارشناسان داخل وزارت خارجه برای رسیدن به مقام سفیری باید سلسله‌مراتبی را طی کرده باشند. این قرائت از قانون ممکن است به‌عنوان یک تبعیض منفی علیه کارکنان وزارت خارجه عمل کند ولی به‌هرحال این قرائتی است که دوستان در این سازمان از اساسنامه و مقررات استخدامی وزارت خارجه دارند. در همین چارچوب ما با یک رشته محدودیت‌های قانونی مواجه هستیم، البته نه محدودیت‌هایی که ناشی از فشارهای بیرونی باشد و به جرئت می‌توانم بگویم که هیچ فشاری در این زمینه از بیرون به وزارت خارجه وارد نشده است. برای استفاده از زنان در رده‌های مدیریتی وزارت خارجه نیز هیچ فشار بیرونی وجود نداشته که بخواهد مانع تحقق این موضوع شود.

یک مقام آگاه می‌گوید ممکن است وزارت خارجه برای رفع این سخت‌گیری قانونی به تبصره‌ای دست بزند تا این هفت‌خان را بردارد.

مرضیه و منصوره

اکنون وزارت خارجه یک سفیر زن دارد که اولین تجربه وزارت خارجه بعد از انقلاب اسلامی است، مرضیه افخم بعد از دو سال حضور در سمت سخنگویی دستگاه دیپلماسی که خیلی هم زیر ذره بین بود، به‌عنوان سفیر ایران در مالزی منصوب شد. او کارش را در این سمت مانند سفرای دیگر با قاعده کلی، سکوت و دوری از رسانه‌ها انجام می‌دهد. اگرچه اتفاق ویژه‌ای را در رابطه دو کشور نمی‌توان برشمرد، اما دست‌کم می‌توان گفت اتفاق عجیب‌وغریبی نیز رخ نداده است.

سال ۹۲ نیز که موضوع انتصاب سفیر زن مطرح شد، پیش‌تر از مرضیه افخم، نام منصوره شریفی، مدیرکل حقوق‌بشر، قرار داشت. او اگرچه در فاصله سال ۸۷ تا ۹۰ معاون سفیر ایران در ژاپن و کاردار این سفارت بود، اما انتصابش به سمت سفارت از همان ابتدای وزارت خارجه ظریف منتفی شد، آن‌هم به دلایل خانوادگی که بعدها بیشتر درباره آن توضیح داده شد. شریفی و همسرش، مجید شبستری که اکنون سفیر ایران در یونان است، هر دو از پرسنل وزارت خارجه هستند که به‌طور هم‌زمان نمی‌توانند در مأموریت باشند. آن زمان نیز قرار بوده که آقای شبستری به مأموریت یونان اعزام شوند و به این دلیل خانم شریفی نمی‌توانست به مأموریت برود. ازهمین‌رو، طبق قوانین داخلی وزارت خارجه اکنون او در مرخصی بدون حقوق و در همراهی همسر به سر می‌برد. خانم افخم و خانم شریفی که دو گزینه ظریف برای سفارت بودند، یک ویژگی مشترک دارند، بسیار ملاحظه‌کارند و این ویژگی شخصی، همراه با نگرانی‌های مدیریت زنانه، شکل ویژه‌ای به کار آنها می‌دهد.

فرد جایگزین شریفی در اداره کل حقوق بشر و زنان که در زیرمجموعه معاونت بین‌الملل و حقوقی وزارت خارجه تعریف می‌شود نیز خانمی است که البته سابقه سیاسی بیشتری از سکوت این اداره کل دارد. زهرا پیشگاهی‌فرد متولد ۱۳۳۴، استاد دانشگاه تهران، نماینده دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، از اعضای مؤسس و عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه است. او از نسب مادری به خاندان صدر می‌رسد. درحالی‌که در سابقه کاری او فعالیت در وزارت خارجه دیده نمی‌شود، احتمالا باید او را از دسته افرادی دانست که بنا بر ملاحظات سیاسی به وزارت خارجه فرستاده شده‌اند. غیر از خانم پیشگاهی‌فرد، چند معاون مدیرکل و چندین رئیس اداره در وزارت خارجه نیز از بین خانم‌ها منصوب شده‌اند.

شاید از خارج وزارتخانه

همه آنچه در بالا به آن اشاره شد، سلسله‌مراتب تعیین سفیر از داخل بدنه وزارت خارجه است، اما برخی سفرا با عنوان سفیر سیاسی شناخته می‌شوند که در تمام دنیا مرسوم است. در ایران نیز حدود ۵ تا ۱۰ درصد سفرا در این ترکیب قرار می‌گیرند. اگر در وزارت خارجه به این نتیجه برسند که فردی با رتبه و شرایط سفیر ندارند، از خارج از وزارتخانه، فردی برای این سمت انتخاب می‌شود. این نوع سفیر را که عمدتا از سوی ریاست‌جمهوری پیشنهاد می‌شود، سفیر سیاسی می‌گویند. افرادی با صلاحیت سیاسی، فرهنگی و امنیتی که بتوانند مسئولیت این کار را برعهده بگیرند. در سال‌های اخیر سفیر ایران در روسیه، باکو، اتریش و استرالیا ازاین‌دست هستند، از همین‌رو می‌توان این گمانه را مطرح کرد که دولت ناکام در معرفی وزیر زن می‌تواند گزینه‌های وزارت کابینه دوازدهم را برای انتصاب در مقام سفیر مطرح کند.

جواد ظریف درحالی‌که وارد چالش انتخاب سفیر زن شده، به ایسنا گفته «احساس می‌کنم برنامه‌ای مدون و هماهنگ برای ارتقای زنان و استفاده از آنها در سطوح مدیریتی در وزارت خارجه و سایر دستگاه‌ها وجود نداشته است». او با تأکید بر اینکه حضور زنان در عرصه‌های مدیریتی باید راهبردی باشد، نه نمایشی و نمادین، ادامه داد: «اگر استفاده از زنان در عرصه مدیریتی نمایشی باشد، حتما نمی‌تواند در ایجاد یک نهاد در راستای حضور بیشتر زنان در سطوح عالی مدیریتی مؤثر باشد. مدیریت‌ها در سطح عالی چالشی هستند و نیاز دارد مدیرانی که استفاده می‌شوند توانمند بوده و به کار احاطه داشته باشند. مقداری در این حوزه احتیاط کرده‌ایم و این احتیاط در این راستا بوده که این حضور نمایشی نباشد، بلکه راهبردی باشد».

باید دید با این‌همه چالش و محدودیت آقای وزیر چه کسی را به‌عنوان خانم سفیر معرفی می‌کند.

ادامه از صفحه ۳

گزارش عملکرد فراکسیون امید در فرایند معرفی و رأی اعتماد وزرا

در ادامه مسیر و هم‌زمان با آغاز جلسات بررسی صلاحیت وزرا، جلسات مجمع عمومی فراکسیون برای تصمیم‌گیری درباره وزرای پیشنهادی نیز برگزار شد که نهایتا در جلسه روز شنبه و پیش از آغاز جلسه علنی مجلس، رأی‌گیری محرمانه از همه اعضای فراکسیون درباره تک‌تک وزرای پیشنهادی به عمل آمد.

پس از جمع‌آوری آرا و تجمیع و نهایی‌شدن نتایج رأی‌گیری، جلسه مشترک رؤسای کمیته‌های ۱۲گانه فراکسیون با هیئت‌رئیسه فراکسیون برگزار شد و براساس گزارش کمیته‌ها و لحاظ‌کردن نتیجه رأی‌گیری محرمانه در فراکسیون، نهایتا تنها یک نفر از وزرای پیشنهادی، نتوانست رأی لازم برای حمایت فراکسیون را به دست بیاورد و ۱۶ نفر از وزرای پیشنهادی مورد حمایت فراکسیون امید قرار گرفتند. بنابراین تصمیم فراکسیون حمایت از اکثریت قریب به اتفاق وزرای پیشنهادی بود و این موضوع روز یکشنبه توسط کمیته مدیریت صحن که پیش از این در جلسه هیئت‌رئیسه فراکسیون انتخاب و اعضای آن معرفی شده بودند، به اطلاع اعضا رسید و اعضای فراکسیون امید براساس تعهد اخلاقی خود به این فراکسیون در فرایند رأی‌گیری مشارکت کردند که بررسی تعداد آرای موافق و مخالف تمامی وزرای پیشنهادی مؤید همین موضوع است.

در نهایت و با پایان‌یافتن مرحله رأی اعتماد به وزرای پیشنهادی، فراکسیون امید مجلس ضمن آرزوی توفیق برای دولت دوازدهم، بار دیگر بر عملیاتی‌شدن وعده‌های وزرا در جلسات مختلف با فراکسیون امید و در صحن علنی مجلس و برنامه‌های ارائه‌شده و مطالباتی که از سوی نمایندگان و از زبان مردم مطرح شده بود، تأکید می‌کند. بدیهی است فراکسیون امید نحوه و میزان عمل وزرا به این وعده‌ها را رصد خواهد کرد و در راستای حمایت از دولت و وزرا بر عملکرد آنها و بخش‌های مختلف دولت نظارت خواهد کرد تا ان‌شاءالله مطالبات مردم محقق و پیشرفت و توسعه و تعالی کشور رقم بخورد.

ادامه از صفحه اول

نامه ظریف به موگرینی و آمانو

این‌بار علاوه بر این می‌تواند اعتبار آژانس را - که نقش حیاتی برای رژیم عدم اشاعه به‌طور کلی و برای برجام به‌طور اخص دارد - مخدوش سازد.

در نامه ظریف اشاره شده است: از یک‌سو، حتی پیش از اینکه این دیدار محقق شود، نحوه برنامه‌ریزی و اعلان عمومی آن و پیامی که ارسال می‌کند، به لحاظ فضای عدم اطمینان و ابهام‌آمیزی که این دیدار برای ایجاد آن طراحی شده است، عواقب مخرب قابل ملاحظه‌ای برای اجرای موفقیت‌آمیز برجام به دنبال دارد. از این منظر، این هم نمونه دیگری از «سوءنیت» حکومت آمریکا، با هدف محدودکردن انتفاع ایران از توافق است؛ یعنی همان رویه ثابتی که نهادها و ارگان‌های مختلف در ایالات متحده از زمانی که برجام حتی هنوز در دست مذاکره بود، در پیش گرفته‌اند و مستمرا در دولت فعلی این کشور به نحو وخیم‌تر و آشکارتری تشدید شده است. او تأکید می‌کند: علاوه بر این، این بازدید با هدفی که برای آن اعلام شده است، با مفاد مختلفی از برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ درخصوص نقش آژانس و ضرورت صیانت از استقلال آن و حفاظت از اطلاعات حساسی که در معرض اطلاع آژانس قرار می‌گیرد نیز ناهمخوان است. شورای امنیت به نحوی آشکار بر «نقش اساسی و مستقل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در راستی‌آزمایی پایبندی به موافقت‌نامه‌های پادمان» تأکید کرده است. ظریف می‌نویسد: باید تأکید کرد که - همچنان که به‌وضوح در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت مندرج است - آژانس باید از «اخلال در توسعه اقتصادی و فناوری ایران» پرهیز کرده و «مقررات امنیتی لازم‌الاجرا و حقوق اشخاص را محترم شمرده؛ و هر احتیاط لازم را برای حفاظت از اسرار صنعتی، فناوری و تجاری و سایر اطلاعات محرمانه‌ای که در اختیارش قرار می‌گیرد، مبذول دارد». هرگونه مشارکت در رویکرد مخرب دولت آمریکا در جهت تضعیف «اجرای موفقیت‌آمیز» برجام، یا ارائه هر نوع اطلاعاتی درخصوص ایران و فعالیت‌های هسته‌ای ایران، که در گزارش‌های معمول مدیرکل که به شورای حکام آژانس ارائه می‌شود، درج نشده باشد، به هر شخص ثالثی از جمله به فرستاده دولت آمریکا با مقرره فوق‌الاشاره همخوانی نخواهد داشت. من اطمینان دارم که مدیر کل و تیم او با این بازدید و سایر تلاش‌های مشابه با امانتداری و حرفه‌ای‌گری کامل برخورد خواهند کرد.